دریچه

اعتدال؛ یک گفتمان، چند دیدگاه

یعقوب حیدری
دانش‌آموخته علوم سیاسی

«عباس‌میرزا، شاهزاده جوان و باکفایت قاجاری در میدان جنگ ایران و روس بود که این پرسش در ذهنش شکل گرفت: چرا نیروی عشایری ما در برابر توپخانه سیار روس‌ها کارساز نیست؟» آن روز شاهزاده جوان برای برون‌رفت از مشکلاتش قدم بر راه اصلاح‌طلبی گذاشت. از آن روز تاکنون خیلی‌ها بر این عقیده‌اند که امن‌ترین راه برون‌رفت از مشکلات «اصلاح‌طلبی» است. دکتر محمد مصدق نیز که ناسئل یا ملی‌شدن صنعت نفت گره خورده، تلاش می‌کرد با روشی اصلاح‌طلبانه و نه انقلابی، قطار کشور را به ریل قانون بازگرداند، اما در کودتای ۲۸مرداد ۳۲ متوقف شد. درخت اصلاح‌طلبی اما قصد خشکیدن ندارد و شاخه‌های معاصر آن یکبار دیگر در دوم خرداد ۷۶ جوانه زد و پس از رکودی هشت‌ساله در ۲۴خرداد ۹۲ در قامت «اعتدال» دوباره سر برآورد. اکنون رویش نازمانی با امالگرهایی مواجه است. برخی اعتدال را همان اصلاح‌طلبی می‌دانند و برخی دیگر نظری متفاوت دارند. آنچه در پی می‌آید جمع‌بندی نظراتی است که به شباهت‌ها و تفاوت‌های این گفتمان پرداخته‌اند.

دامنه اصلاحات

اصلاحات وجهی از تحولات سیاسی است که در فرآیند آن به تغییرات آرام و مسالمت‌آمیز در جامعه، آن هم به منظور دستیابی به تعادل و رفع معضلات، تسهیل خطاها و متوقف‌سازی سوءاستفاده‌های اجتماعی، جلوگیری از وقوع بحران‌های سیاسی و حرکت رو به پیش در مهندسی اجتماعی مبادرت می‌شود. نخستین حرکت نوسازی و اصلاحات را «عباس‌میرزا» انجام داد. او فرزند چهارم فتحعلی‌شاه قاجار و حاکم آذربایجان بود. در طول جنگ اول ایران و روس کشف کرد نیروی عشایری در برابر توپخانه سیار کارساز نیست. از این‌رو به اصلاح‌طلبی معاصر در امپراتوری عثمانی، سلطان سلیم سوم، تأسی کرد و نظام جدید عثمانی را به سبک خویش در آذربایجان پیاده کرد.

برخی بر این باورند تنها کسی که در ایران با اندیشه‌های اصلاح‌طلبی اصیل آشنا بود و تلاش‌هایش تا حد زیادی در راستای تغییرات تدریجی و بنیادی پیش رفت، «محمد مصدق» بود. او با بارها از معایب انقلاب و شکستن ناگهانی ساختارها سخن گفته بود. همین شیوه عمل سیاسی مصدق بود که او را بنیانگذار مفهوم اصلاح‌طلبی در ایران به شکل مدرن «ایرنشناسی» آن می‌دانند. در کتاب خاطرات دکتر فاطمی، به دفعات از مصدق نقل شده که «متنی من اصلاح‌طلبی است». با همه تلاش‌هایی که مصدق انجام داد در نهایت او در کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ متوقف شد.

جریان‌شناسی اصلاحات

اگر جریان‌شناسی «اصلاحات» یا «گفتمان اصلاح‌طلبی» را پیگیری کنیم، معلوم می‌شود که این جریان در سه‌دوره از تاریخ ایران مجال ظهور یافته است؛ اولین دوره جریان اصلاحات در دوره قاجار و به‌طور مشخص در قالب «جنبش مشروطه» بروز پیدا کرد. دومین دوره از جریان اصلاحات در یک جریان سیاسی موجود را نمایندگی کند اما سومین دوره اصلاحات نیز پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۶ و در قالب جنبش دوم‌خرداد روی کار آمد.

اصلاح‌طلبی پس از انقلاب

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۶ جریان اصلاحات در ایران، در قالب جنبش دوم‌خرداد و در مقابل جنبش سنت‌گرای اصولگرا شکل گرفت. این جریان با داشتن برای هسته ایرانیان، روی کار آمد و بر مفاهیمی همچون قانون‌گرایی، تحزب، تلاش برای جامعه مدنی، تکثرگرایی، تسامح و تقویت نهادهای مشارکت قانونی تاکید داشت.

دوم خرداد ۷۶ گفتمانی به نام «اصلاحات» شکل گرفت و از دل آن شخصی پیروز انتخابات شد که شعارهایی متفاوت و رویکردی مطرح کرد که خلاف جریان روز بود. منتخب این جریان سیدمحمد خاتمی بود. او در میان بخشی از نخبگان و جوانی شناخته شده، اما در میان توده مردم گمنام شناخته شده بود. او در مدت دوم ۷۶ جوانه زد و میان مردم و طرح ویژه‌ها و دیدگاه‌های خود مورد استقبالی غیرقابل پیش‌بینی قرار گرفت و با کسب ۲۰میلیون رأی سکان اجرایی کشور را به دست گرفت.

دولت اصلاحات هشت‌سال دولت را در دست داشت اما پس از خاتمی این گفتمان به عللی که خارج از اراده ما است، در عرصه رسمی به دولتمداری مشغول نشد. اینجاست که گفتمان «اعتدال» از سوی محمود احمدی‌نژاد مطرح شد و شعارهای دوقدرتی او نظر رای‌دهندگان را به خود جلب کرد. این گفتمان که از دل اصولگرایی برآمده بود پس از هشت‌سال ناکارآمدی خود را نشان داد. تا آنجا که موافقان سابق اصولگرا و پروپاگرس خود را به مخالفانی سرسخت علیه خویش تبدیل کرد.

گفتمان اعتدال

در روزهای نزدیک به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲، گفتمانی تازه در حال تولد بود که نمای «اعتدال» سرمی‌داد؛ گفتمانی که در اغاز کمرهق بود اما با اتیانگذار مفهوم اصلاح‌طلبی در ایران به شکل مدرن «ایرنشناسی» آن می‌دانند. در کتاب خاطرات دکتر فاطمی، به دفعات از مصدق نقل شده که «متنی من اصلاح‌طلبی است». با همه تلاش‌هایی که مصدق انجام داد در نهایت او در کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ متوقف شد.

یک گفتمان و چند دیدگاه

از همان روزهای انتخابات تا حال این بحث مطرح است که آیا دولت تدبیر و امید و گفتمان «اعتدال» انتهای تازه است یا ریشه در گفتمان اصلاحات دارد. در این‌باره فعالان عرصه سیاست به ابراز نظرهای مختلفی پرداختند. برخی می‌گفتند که اعتدال همسه مرکزی اصلاحات و گفتمان اصلاحات همسه مرکزی اعتدال است. برخی نیز بین گفتمان اصلاح‌طلبی و اعتدال، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی قایل بودند. به زعم آنان اصلاحات تلاش می‌کند جریان سیاسی موجود را نمایندگی کند اما کرنلی‌ها و تفاوت‌های هم با وضعیت موجود دارد اما به‌دنبال رادیکالیسم و افراط نیست. از این جهت اصلاح‌طلبی و اعتدال با یکدیگر فرارت دارند.

ادامه در صفحه ۹

احمد شیرزاد در گفت‌وگو با «شرق»:

درک صحیح هواداران دولت از وضع موجود یک فرصت است

طیبه میرحسینی

تحولات پس از دوم‌خرداد تا امروز در یک بازه زمانی ۱۶ساله، آنقدر زیاد و پرپیچ‌وتاب بوده که گویی یک‌قرن سپری شده است. نیروهای کنشگر عرصه سیاست نیز به‌طور معمول، سرعت و شدت این فرازونشیب‌ها را بیش از سایر بخش‌ها، حس کرده‌اند. فضای قبل و بعد از ۲۴خرداد و نوع حرکت اصلاح‌طلبان در این سال‌ها به ویژه از سال ۸۸ تاکنون، موضوعی است که زیاد در بین تحلیل‌گران مورد بحث قرار می‌گیرد. گام‌های دقیق و تدریجی و برقراری نسبت مشخص با دولت تدبیر و امید، از جمله این ویژگی‌هاست. دکتر احمد شیرزاد به سبب عضویت در شورای مرکزی یکی از احزاب اصلی اصلاح‌طلب در دوران اصلاحات و البته ریاست کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ششم، برای جامعه چهره‌ای شناخته‌شده است که از جمله نخبگان دانشگاهی در رشته فیزیک به‌شمار می‌رود. وی در گفت‌وگو با «شرق» به تجربیاتی که اصلاح‌طلبان در این سال‌ها آموخته‌اند تا به نقطه امروز رسیده‌اند، اشاره کرد که در ادامه می‌آید.

■ این روزها این تحلیل زیاد شنیده می‌شود که حرکت آرام و حسابشده اصلاح‌طلبان در بزهه انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم و بعد از آن از شروع دولت یازدهم تاکنون حاکی از حرکت آنها بر پایه نوعی واقع‌گرایی است. این امر اگرچه سه سال از دوران اصلاحات بیشتر دیده شد، اما در یکسال اخیر به‌وضوح در رفتار و عملکردشان مشهود بود. به‌طوری‌که ضمن اذعان به سختی راه دشواری که دولت یازدهم در آن قرار دارد، همچنان به فکر اجماع بوده و با نگاهی منسجم و تشکیلاتی در حال حرکت هستند. به‌نظر شما این حرکت بر پایه این نوع واقع‌گرایی از کجا حاصل شده است؟

عملگرایی که از آن صحبت می‌شود، ناشی از یک برآورد واقع‌گرایانه در بین اصلاح‌طلبان و تحول‌خواهان داخل کشور از شرایط موجود و امکان ایجاد تغییر نسبت به قدرت‌های واقعی و چشم‌انداز آینده است. ما اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که چشم‌انداز آینده را کاملا به‌منفع اصلاحات و اصلاح‌طلبان در جامعه می‌بینیم و به‌نظر می‌رسد که دوره تندروی‌ها رو به افول، اتمام و خاموشی است.

البته همواره ممکن است شکل‌های جدیدی از تندروی بروز کند و خود را نشان دهد؛ تندروی اصولگرایانه که ظرف مدت هشت‌سال در دوره آقای خاتمی به‌شدت در مقابل اصلاحات ایستادگی می‌کرد و جامعه را از یک تحول دست‌یافتنی خیلی بهتر از آنچه که حاصل شد، محروم کرد و سپس در هشت‌سال دوره احمدی‌نژاد همان مقدار دستاورد نیز به سبب رفتارهای رادیکال یک جریان، به عقب بازگشت و همه شاخص‌ها مانند رشد اقتصادی منفی شد. این اتفاق همیشه امکان بازتولید دارد و همین امروز هم به اشکال مختلف تلاش دارد تا صدای خود را بلند نشان دهد. با این حال امروز ما در شرایطی قرار داریم که تندروی‌ها این دوره راهی کرده و لابن به جایی رسیده‌اند که نمی‌توانند

تعریف اصلاحات در طی زمان عوض می‌شود ولی اصول اصلی و چارچوب‌های نظری و عملی آن همچنان پابرجاست. آقای روحانی ممکن است به معنای اصطلاح رایج هشت‌سال پیش، اصولگرا نباشد اما در برخی موارد همانند آزادی‌بیان و مطبوعات، کار فقط در دست دولت نیست و این شرایط واقعی، از سوی افرادی که به‌شدت مطالبات خیلی دارند و حتی زخم‌خورده هستند، درک می‌شود به بیان دیگر همین درک اطرافیان از اوضاع، کمک می‌کند که مشکلات به سمت بخش‌هایی که مسؤول ایجاد این وضعیت هستند، روانه شود و این رویداد مبارکی است که دولت روحانی از جوّ خوش‌شانس‌ترین دولت‌ها قرار داده است.

■ اصلاح‌طلبان در این دوران فقط به فکر حرکت دقیق و منسجم بوده و به‌دنبال هیچ سیاهه‌خوانی از افراد نبوده‌اند. نگاه اصلاح‌طلبان در این دوره به دکتر روحانی و دولت یازدهم چیست؟

در آن دوران هر اتفاقی می‌افتاد همه از خاتمی و دولت وی «مطالبه» می‌کردند هر اتفاقی می‌افتاد، خاتمی باید پاسخ‌گو می‌بود در حالی که همه می‌دانستند دولت، متکفل بخشی از حوزه رسمی است و نهادهای دیگر در این خصوص، باید پاسخ‌گو می‌بودند. دمپدن به تنور مطالبات بخشی از استراتژی محافل مخالف اصلاحات بود. متأسفانه در آن دوران سیل مطالبات به سمت خاتمی نشانه می‌رفت و همه دنبال اثبات این مسئله بود که «خاتمی نمی‌تواند» یا «نمی‌گذارند» پس باید استعفا دهد! به‌منظور انعقاد نگاه به سیاست از سوی هر کسی باشد، برخود اشتباه و ناصحیحی است.

■ اصلاح‌طلبان امروز دقیقا در هر فرصتی پیرامون همین آب، به هواداران خود تذکر می‌دهند. فکر می‌کنید بدنه هواداران اصلاحات به لبه تا حد زیادی این اتفاق افتاده است. امروز همه حس می‌کنند

عکس: بهروز حسنی، شرق

خیلی برای ما مشکل‌ساز شد و الان از آن دوره درس گرفتیم که باید در برابر دولت، منتقد جدی باشیم ولی توانمندی‌ها و امکانات دولت را هم باید به‌خوبی درنظر بگیریم. اگر این اتفاقات در دولت خاتمی افتاده بود شاید خیلی موفق‌تر عمل می‌کردیم اما هماین‌طور که اشاره کردم، این خاصیت فعالیت سیاسی است و یک جریان زنده و پویا باید به‌طور مداوم به نقد درونی خود پرداخته و توانمندی و الزگرایی خود را افزایش دهد؛ به هر حال دولت رحانی با مشکلاتی بسیار جدی روبه‌روست. یکی از خوش‌شانس‌ترین دولت‌های تاریخ است که روی کارآمده است چراکه از یک طرف مخالفان تندرو اصولگرا نمی‌توانند کار چندانی انجام بدهند و ناچار هستند راه را باز کنند تا دولت به روش خود حرکت کند و از طرف دیگر در روشنفکران جامعه، حس واقع‌گرایی ایجاد شده است که دولت باید با دولت قبلی مقایسه کنیم. مشاهده می‌کنیم که در انتخابات سال ۸۴ دشمنه به ظهور پدیده‌ای به نام احمدی‌نژاد انجامید که البته به‌دلیل نداشتن عمق و عقبه، پس از هشت‌سال تقریبا به فراموشی سپرده شده است. اما این دوران هزینه‌های زیادی در پی داشت. فردی که ظرفیت تبدیل‌شدن به مرد شماره دو کشور را نداشت، به همراه اطرافیانش تحت‌تاثیر قدرت قرار گرفت و از موقع‌ها و مواقع که او را به قدرت رسانده بودند، ساز جدایی نواختند. فرصت طلایی که فقط ۲۰۰میلیارد درآمد نفتی یک‌ماهه بود، نگرفتند. البته بخشی از این مسایل به این برمی‌گردد که ما یک نظام سیاسی نیوا هستیم و انقلاب تازه ۳۵سالگی خود را پشت‌سر می‌گذارد. بلکه ۱۶سال برگردیم عقب و در شرایطی که فقط دو دهه از انقلاب پشت سر گذاشته شده بود، موضوعات دوران اصلاحات همان مقدار که دولت بازدهم امکانات دارد و می‌تواند کاری انجام دهد، غنیمت است و همین مقدار برخورد علمی با تحولات و مدیریت‌های حرفه‌ای برای کشور مفید خواهد بود. شاید دست دولت در بسیاری از امور باز باشد اما در برخی موارد همانند آزادی‌بیان و مطبوعات، کار فقط در دست دولت نیست و این شرایط واقعی، از سوی افرادی که به‌شدت مطالبات خیلی دارند و حتی زخم‌خورده هستند، درک می‌شود به همان معنای اصطلاح رایج هشت‌سال پیش، اصولگرا نبا